

بورس نفت

بودن یا نبودن، مساله این است

• سارا علیباری

اشاره

وقایع نگارده شده در تقویم تاریخ بورس نفت در ایران؛ ۲۸ بهمن ماه سال ۸۶ را افتخار بزرگی بر کارنامه اقتصاد نفتی ایران ثبت کرده است. اقتصاد نفتی که قریب به ۸ سال راهروهای وزارت نفت، اقتصاد و دارایی، شورای بورس و... را به دنبال بارور شدن سپری کرد و هم اکنون می گویند تا با گذر از فاز اول و دوم برای همیشه به حضور خود در سرزمین مادری اش کیش رنگ واقعیت بزند.

داستان دنباله دار تولد بورس نفت درست به زمانی برمی گردد که محمد آقایی با ارسال نامه‌ای به مرحوم نوربخش، رئیس کل وقت بانک مرکزی خواستار تاسیس بورس نفت برای عرضه فرآورده‌های نفتی شد، در آن زمان و در پی این اقدام حسین کاظم پور اردبیلی نماینده ایران در اوپک به تهران فرا خوانده شد تا هر چه سریعتر راه برای تولد این نهاد بزرگ هموار کند.

در ادامه این تلاش‌ها در اواسط دولت هشتم محمد جواد عاصمی پور به عنوان مجری راه اندازی طرح بورس نفت منصوب شد و همین دلیلی گشت تا وی به منظور کسب تجربه از بورس‌های بزرگی همچون IPE و Nymex رهسپار لندن شد و دست آخر پس از مطالعه و بررسی و رایزنی با کارشناسان بزرگ نفتی از جمله کریستوفر کوک، کوله بار تجربیاتش را در گزارشی ۵۰۰ صفحه‌ای تقدیم وزیر اقتصاد کرد تا این بورس برای تولد مجوز قانونی بگیرد.

طرح بورس نفت پس از رایزنی‌های بسیار، در سکوت مطلق خبری مراحل مختلف را طی کرد اما در نهایت توانست با موافقت شورای بورس را بگیرد و بدین ترتیب این بورس وارد مرحله عملیاتی شد. همزمان با صدور مجوز قانونی "بورس نفت" اختلاف نظر مخالفان و موافقان شدت گرفت و همین امر چنان بسیاری از چالشهای پیش‌رو این طرح پنهان کرد.

چالشهایی از جمله قانون جدید بازار سرمایه، نبود زیرساختهای مناسب در سیستم بانکی، عدم وجود ابزارهایی همچون معاملات آتی و... در نهایت کمبود کارگزاران حرفه‌ای که بتوانند در حد کارگزاران بورس نیویورک و لندن با آنها به رقابت بپردازند.

این مشکلات در کنار معضل مشخص نبودن مالک اصلی چنان شد که بورس نفتی که همگان انتظار تولدش را می کشیدند در سر راه وجود با موانع دشواری برخورد کند.

این بورس اگر چه در حد یک ایده بود و موانع بسیاری را بر خود می‌دید تا به سر منزل مقصود برسد اما همین ایده توانست لریزه به اندام کشورهای آسیایی و اروپایی بیاندازد و عاملی شد که اماراتی‌ها دست به دامن نایمکسی‌ها شوند تا بتوانند بورس نفتی را تاسیس کنند.

آنقدر این تولد به تاخیر افتاد تا شیوخ امارات با کمک نایمکس بورس نفت خود را راه اندازی کرد و گوی سبقت را از سایرین بر بودند و پس از آن روسیه بورس نفتی خود را تاسیس کرد تا پس از گاز در نفت نیز از ایران پیشی بگیرد.

در نهایت تمام این اتفاقات باعث شدند مسئولان مربوطه تصمیم بر راه اندازی این بورس در ۲ فاز اول و دوم بگیرند فاز اولی که محصولات پتروشیمی را در خود جای داد تا راه برای بورس نفت واقعی هموار شود و چنان عمل کند که در آن معاملات کاغذی را جایگزین بشکتهای نفتی شود و همین شد که در حال حاضر ۵۸ قلم کالای پتروشیمی ارزشی بالغ بر ۱۰ هزار میلیارد تومان را برای بورس کالا

اقدام کرد. به گفته صالح آبادی راهاندازی فاز دوم که همان صادرات محصولات پتروشیمی است، بسیار پیچیده‌تر از فاز اول است که از ابتدای سال کار گروهی در این زمینه تشکیل شده است. سخنگوی سازمان بورس موفقیت در عملیاتی کردن فاز دوم بورس نفت را گام مهمی در فاز نهایی این بورس برشمرد و بر این ادعا است که با موفقیت اجرایی شدن فاز دوم نسبت به راهاندازی فاز سوم که همان مبادله نفت خام است اقدام می‌کنیم و در این زمینه نیز مطالعاتی از سال ۸۷ صورت گرفته و تاکنون بازدیدهایی از بورس‌های مختلف صورت گرفته است. صالح آبادی رفع خلاء قانونی این بورس را نقطه‌امیدی در این راه می‌داند و می‌گوید خوشبختانه اواخر اسفند ماه سال ۸۷ خلاء قانونی بورس نفت کیش که همان تاسیس بورس در مناطق آزاد بود به تصویب مجلس رسید بر طرف شد و امیدواریم تا پایان سال حجم قابل قبولی از صادرات محصولات پتروشیمی از این طریق در کیش صورت گیرد. اما از هم‌اکنون نمی‌توان زمان مشخصی برای تاسیس فاز نهایی بورس نفت را تعیین کرد. با توجه به تمام آنچه ذکر شد بورس نفت می‌توانست ایران را قدرتمندتر از این در جهان جلوه دهد چرا که پتانسیل و ظرفیت‌های نفتی ایران چنان بوده و هست که برترین بورس نفتی جهان را داشته باشد اما امان از تعلل!

به هر شکل باید منتظر ماند و دید که چه زمانی ایران می‌تواند بورس نفتی در خور و شان خود در سطح بین‌المللی داشته باشد.

فاز دوم با فاصله‌ای اندک از فاز اول راهاندازی شود و در آن میلیون‌ها بشکه کاغذی در روز مبادله شود و ایران به واسطه این امر و اینکه دومین تولیدکننده نفت خاورمیانه است بتواند شاخصی برای مبادله نفت در جهان به شمار رود اما چنین نشد و همچنان در انتظاریم، در حالی که که نظر وزیر نفت بر آن است که زمان مبادله بشکه‌های کاغذی فرانسوی‌ساز است، اما صالح آبادی رییس سازمان بورس در پاسخ به تمام این تاخیرها با اشاره به دیدگاه اصلی بورس نفت باور است که دیدگاه اصلی در بورس نفت راهاندازی بازاری به منظور مبادله با ابزار فیوچر مارکت یا همان داد و ستد بر سر بشکه‌های کاغذی که این مسئله در ۳ مرحله قابل پیگیری بود بر همین اساس بورس فرآورده‌های نفتی در ۲۸ بهمن ماه سال ۸۶ در همان بورس کالا آغاز به کار کرد که این همان فاز اول بود و فاز دوم این بورس صادرات محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی است که این فاز، مرحله مهمی بوده و به نوعی مقدمه بورس نفت واقعی است. وی معتقد است اینکه ما بتوانیم این محصولات را به خارجی‌ها بفروشیم و منابع مالی با ارز خارجی تامین کنیم کار مهمی است و در این زمینه باید ساز و کار مبادلات بین‌المللی در بورس تقویت بشود تا بتوان نسبت به صادرات

به ارمغان آورده است.

اگر چه فاز اول بورس نفت به منزله نکته مثبتی بر کارنامه بورس‌های کالایی کشور بود و این رینگ حرف‌های بسیاری برای گفتن دارد اما این بورس همان نبود که سالیان سال در انتظارش بودیم. برخی کارشناسان تفاوت اختلاف نظر میان وزارت نفت و سازمان بورس بر سر مالکیت این بورس و یا اینکه هر یک متولیان در خصوص تاخیر در اجرای این طرح مهم ملی، دیگری را مقصر می‌خواندند اما دلیل این فراموشی می‌دانند اما نکته مهم آنست که این طرح به حدی بزرگ بود که این دو متولی حتی به قیمت اشتباه دیگری نمی‌بایست شانه از بار مسئولیت خالی می‌کردند و این تاخیر را طولانی تر می‌کردند. اگر این چنین بود که ما می‌توانستیم فارغ از هر گونه جار و جنجال چنین بورسی را در کنار بورس فلزات و کشاورزی راهاندازی کنیم و آنرا در قالب بورس‌های کالایی بگنجانیم تا شاید با موفقیت آن دیگر نگران بورس کشاورزی که در اغما فرو رفته نباشیم. اما چنین نکردیم و حال که این نهاد چشم انتظار فاز دوم است تمام امیدها به موفقیت این فاز است. قرار بود